

**سال ۱۳۵۰، آن قدر در مشهد برف بارید که مردم ترسیدند با گرم‌شدن هوا و آب‌شدن برف‌ها، در شهر سیل جاری شود**

# سالی که مشهد منجمد شد

هما سعادت‌مند

تماشای حیات به‌برف‌نشسته از پشت پنجره بخارگرفته، غل‌غل سماور، پیچ باز رادیو که خبر از تعطیلی مدرسه و کار می‌دهد و صدای پای پدر که بالای پشت‌بام با برف‌روب دسته‌بلند چوبی حریر سپید را از صورت خانه پس‌می‌زند، همه خاطرات مشترکی هستند که نسل پیش از دهه ۷۰ در ایران تجربه کرده‌اند. در این میانه، برف این روزها که بوران و یخ‌بندان‌ش پهلوی به همان دوران زد و توانست پس از یک دهه کم‌بارشی تجربه زمستان‌های آفتابی را از خاطرم‌ان پاک کند، سبب شد تا در چند خط خواندنی برایتان از هولناک‌ترین زمستان‌های این دیار بگویم؛ زمستان‌هایی که آدم‌خوار بوده‌اند و نمی‌شود هرگز آن‌ها را از پشت پنجره‌های بخارگرفته تعریف کرد. البته ایران از این زمستان‌های سخت کم نداشته ولی ماجرای زمستان ۱۳۵۰ روایت دیگری دارد. در این سال سرمای کشنده‌ای ایران را فرا می‌گیرد، آن چنان که دمای هوا در برخی نقاط به منفی ۵۰ درجه و پایین‌تر می‌رسد، تمامی راه‌ها بسته و در برخی نقاط ارتفاع برف بین ۸ تا ۱۲ متر گزارش می‌شود. این سرما زندگی در شهرهای بزرگی مثل مشهد را هم فلج می‌کندو اتفاقات تلخ بسیاری را رقم می‌زند که سطرهای پیش رو یادی از آن روزهاست که بر اساس گزارش ثبت‌شده در مطبوعات گردآوری شده است.

● نخستین خبر برف در روزنامه‌های مشهد نخستین خبری مطبوعاتی در قدیم مشهد که از برف هولناک صحبت کرده، در روزنامه «کاغذ اخبار» به تاریخ ۲۵ جمادی‌الاول ۱۲۷۰ قمری چاپ و منتشر شده است. در این خبر آمده که: «دیگر از قراری که در روزنامه مشهد مقدس نوشته بودند، چندی پیش از این، هوای آنجا سرد شده بوده، به حدی که چند نفر از شدت سرما تلف شده بودند، از جمله نوشته‌اند که هفت نفر از شهر بیرون رفته بودند که شاید از زیر برف قدری (همه) هیزم) بیاورند، تخمیناً یک فرسخ از شهر نرفته، سرما آن‌ها را بی‌حال کرده، مراجعت نموده، سه نفر از آن‌ها در وقت مراجعه از سدمه سرما وفات کرده و چهار نفر آن‌ها هم که خود را به شهر رسانده بودند، یک نفرشان در شهر از همان صدمه سرما تلف شده و همچنین نوشته بودند که قافله‌ای از نیشابور می‌آیند، سه نفرشان از شدت سرما تلف شده‌اند».

● زمستانی با ۲۴ هزار کشته در مشهد البته از این دست برف و بوران‌ها بسیار بوده است و می‌توان نشان آن را در جراید قدیمی فراوان یافت. در روزنامه ایران به تاریخ ۲۱ شعبان ۱۳۱۱ (۸ اسفند ۱۲۷۲) آمده است که سرمای زمستان افراد زیادی را که در راه سفر بودند یا برای شکار به بیرون دروازه شهر رفتند، سیاه کرده، کشته و اجسادشان بعد از چند روز پیدا شده است. اما شاید بتوان در دناک‌ترین برف‌ریزان مشهد در دوره قاجار را زمستان سال ۱۲۵۰ خورشیدی دانست، رخدادی که سبب شد بسیاری از مردم محنت کشیده از خرابی‌های ترک‌مانان و فتنه سالار بر اثر قحطی و تنگ‌دستی، تسلیم‌مرگ شوند، فاجعه‌ای که حتی در خاطرات تاریخی سیاحان و مستشاران دولت‌های خارجی هم ثبت شده است. آن طور که یان اسمیت در یادداشت‌هایش آورده است، در این سال ۲۴ هزار نفر در مشهد به دلیل قحطی و سرما جان دادند. روایت‌هایی گویند حتی اجساد مردگان که در سرمای هوا یخ زده بود، هفته‌ها دفن نشده روی زمین افتاده بود.

آن طور که این کارمند کمیسون مرزی در سفرنامه‌اش نوشته است، او در طول مسیر کوچه‌ها و خیابان‌هایی که در آن زمستان را پیموده، هیچ جا نوزاد یا کودکی خردسال ندیده است. زیرا تقریباً همگی کودکان خردسال بر اثر قحطی و سرما جان سپرده بودند. او در جایی از روایت این خاطره می‌نویسد: «علاوه بر ندیدن کودکان، در هیچ جایی از مشهد نه بر لبی تبسم دیدم و نه آواز و ترانه‌ای شنیدم. آنچه دیدم می‌شد، تکرار مصیبت بود و افسردگی و نومیدی. کاپیتان مارش انگلیسی هم در سفرنامه‌اش با اشاره به احوال مشهد در زمستان سال



می‌دهد: «بر اثر نزول برف‌های متعدد و پی‌درپی تمامی مدارس در مقطع ابتدایی و متوسطه تعطیل شده‌اند. برف و کولاک تاریخ این سال را به عنوان سردترین زمستان بشر تا آن دوره در رکوردهای گینس ثبت کرد. برخی روزنامه‌های جهان در زمستان این سال، برای توصیف وضعیت کشورمان نوشتند: «ایران منجمد شد» جراید داخلی نیز تلفات دی و بهمن را این‌طور روایت کرده‌اند: «بیش از دویست روستای همیشه در زیر برف ناپدید شدند و بیش از ۴ هزار نفر جان خود را از دست دادند.» ارتفاع برف در برخی نقاط هشت تا دوازده متر هم می‌رسد. در این زمستان همچنین بیش از دو میلیون راس دام تلف و بسیاری از خانه‌ها تخریب می‌شوند. علاوه بر این در شهرها ارتفاع برف بین چهار تا شش متر گزارش شده است.

● وضعیت مشهد در یخ‌بندان ۱۳۵۰ خورشیدی خراسانی‌ها در این روزگار با سرمای منفی ۳۶ درجه سانتی‌گراد مواجه شدند که فقط چهار درجه با سرمای قطب جنوب فاصله داشته است. مدارس، دانشگاه‌ها و ادارات چند روز تعطیل شدند و روزنامه‌ها نوشتند:

«به‌علت ریزش برف، راه‌های فریمان، نیشابور، تربت حیدریه، تربت‌جام و... بسته شده است. ارتباط تلفنی بین شهرستان‌ها با تهران قطع شده است و ده‌ها وسیله نقلیه در راه‌های فرعی و اصلی این شهرستان‌ها پشت برف مانده‌اند. علاوه بر این‌ها، دو نفر به‌علت سرمای شدید در سرخس و نیشابور خنک شده‌اند».

برابر آنچه روزنامه خراسان از این سال گزارش می‌کند، در مشهد از اول دی تا پانزدهم اسفند ۱۳۵۰، یازده برف باریده است که ۱۰ برف خیلی سنگین بوده‌اند، اما برف یازدهم گویا به‌علت گرمی زمین، خیلی آذیت نکرده است. در طول این دو ماه همچنین در داخل شهر چهل خانه خراب و در شهرهای اطراف مشهد به‌ویژه قوچان و تربت حیدریه وحشتناک گزارش شد. سخت‌ترین دوران اما متعلق به بهمن‌ماه بود. به دلیل تداوم بارش‌ها، این روزنامه در اول بهمن ۱۳۵۰ با تیتیر درشت، چنین خبر



استخوان بر اثر لیز خوردن و حتی سقوط از پشت‌بام در هنگام برف‌روبی را خواند. دوازدهم بهمن تیتیر روزنامه‌ها از فلج‌شدن شهر به اینجا رسید که بگویند: «سرمای کشنده چرخ‌زدگی را از کار باز داشته است.» زیرا در شب قبل (۱۱ بهمن) دمای هوا به ۲۳ درجه زیر صفر رسید. خراسان می‌نویسد: «دیشب چند نفر در بیابان بر اثر سرما سیاه شده‌اند. مشهد دیگر حالت استثنایی به خود گرفته است. مدارس ابتدایی یک روز دیگر هم تعطیل شدند. ریزش هشتمین برف در مشهد ۲۶ ساعت به طول انجامید.» شب همین روز (۱۲ بهمن) اوضاع به یک‌باره از این وخیم‌تر شد و مشهد سردترین شب خود را در یک سال گذشته تجربه کرد، آن چنان که دمای هواد حوالی غروب روز ۲۵ درجه زیر صفر به ۳۲ درجه زیر صفر در نیمه‌شب رسید.

سیزدهم بهمن نیز ارتفاع برف در شهر به سه متر رسید و روزنامه‌ها چنین خبر دادند: «برف و سرما در خراسان بیداد می‌کند. «با این همه آموزش و پرورش که روزهای زیادی مدارس را تعطیل کرده بود، این بار برای اینکه بچه‌ها از درس و مشق عقب نمانند، مدرسه‌ها را باز کرد. جراید می‌نویسند: «دانش‌آموزان خردسال دیروز با ناراحتی به مدرسه رفتند.»

● مشهد و خطر سیل به دلیل آب‌شدن برف‌ها بیست‌ودوم بهمن این سال مردم دیگر از بارش برف خسته شده بودند. تیتیر روزنامه خراسان برای این روز خیلی جالب است: «برف-برف-برف-برف. جالب است که از ساعت ۵ تا ۱۲ ظهر به بعد حتی یک آدم در خیابان‌ها دیده نمی‌شود.» روز بیست‌وچهارم بهمن همچنان اوضاع بد بود. درجه هوا به ۳۰ درجه زیر صفر رسید و برف در محلات شهر دیگر به کوه‌های بلند یخی تبدیل شده بود. راه کوچه‌ها به دلیل وجود برف زیاد بسته بود و مردم برای آمدو شد ناچار شده بودند از زیر برف‌ها تونل بزنند. دوم اسفند بارش دهمین برف مشهدی‌ها را تکران کرد. اما نگرانی فقط از سرما نبود. جالب است بدانید در این



روزها آن قدر در معابر و کوچه‌ها برف جمع شده بود که مردم هراس این را داشتند که بر اثر گرم‌شدن هوا و آب‌شدن برف‌ها، در شهر سیل جاری شود. این نگرانی را جراید آن روزگار از زبان مردم به گوش مسئولان رساندند تا تدبیری برای پس از سرما داشته باشند. بلدی‌ه پس از این با قراردادن کامیون‌هایی در همه‌معابر تلاش می‌کند برف را به خارج شهر منتقل کند. ناگفته‌نماند که این زمستان روی سختش را از دوسال پیش یعنی در دی ۱۳۴۸ نمایان کرد. روزنامه خراسان در ۲۳ دی ۱۳۴۸ خبر از بارش برفی سنگین می‌دهد: «اخبار از صله حاکی است که ارتفاع برف در مشهد متجاوز ۷۵ سانتی‌متر و در ارتفاعات و نقاط کوهستانی بیش از ۹۰ سانتی‌متر است. از بامداد تا غروب دیروز خانه‌هایی که بام‌های مسطح گل‌اندود دارند، بیش از چند مرتبه برف آن‌ها پاک شده است. به‌علت نزول برف دیروز، رفت‌وآمد در خیابان‌ها و معابر مشهد به دشواری صورت می‌گیرد و اکثر اتومبیل‌ها قادر به حرکت نیستند.»

● سخت‌ترین زمستان نیمه دوم قرن گذشته سخت‌ترین زمستان نیم‌قرن دوم قرن ۱۴ خورشیدی هم به زمستان سال ۱۳۸۶ تعلق دارد که هرگز مانند زمستان‌های دهه ۴۰ و ۵۰ نمی‌شود. اما برای هشتمین دهه قرن که آغاز کم‌بارشی‌ها در ایران بوده، این زمستان استثنایی است که تا سال ۱۴۰۱ و زمستان امسال تکرار نشد. در این سال آن قدر برف روی برف بارید که بعضی شهرها دچار کمبود گاز و گرانی نان شدند. پروازهای شانزده فرودگاه کشور نیز لغو شد. ۶۰ هزار و ۷۴ نفر از هم‌وطنان اوایل دی‌ماه در برف ماندند و بسیاری از شهرها با مشکل برق و گاز روبه‌رو شدند. البته زمستان ۱۳۷۴ نیز یکی از زمستان‌های پر برف در نیمه دوم قرن بوده است. اما گرمای هوای آن را به یخبندان تبدیل نمی‌کند. پس از این دو نیز رکورد زمستان سرد را می‌توان با کمی اغماض به سال ۱۳۹۶ هم تعمیم داد، اما رکود همچنان تا انتهای نیمه دوم قرن گذشته در اختیار همان سال ۱۳۸۶ است.



**کتنارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت چهل و دوم) مشهد در تکاپوی تأسیس مدارس نوین (بخش پنجم و آخر)**



مرضیه ترابی

در قسمت‌های قبل به تفصیل درباره مدرسی که قبل و بعد از پیروزی انقلاب مشروطه در مشهد تأسیس شد، صحبت کردیم. اگر یادتان باشد، در قسمت قبلی هم گفتیم که یکی از دغدغه‌های مؤسسان این مدارس، تأمین بودجه لازم برای اشتغال به تحصیل رایگان دانش‌آموزان بی‌بضاعت بود. این بودجه از طرف خیران و گاه از سوی گردانندگان مدرسه، با جمع‌آوری اعانه یا صرفه‌جویی در دیگر امور فراهم می‌شد. وقوع جنگ جهانی اول و آغاز بحران قحطی در ایران دهه ۱۲۹۰ خورشیدی، همه‌چیز را تحت‌الشعاع قرار داد و باعث شد بسیاری از طرح‌های آموزشی خیران مشهدی روی زمین بماند. با این حال، افراد باهمتی بودند که میدان را ترک نکردند و با پایمردی، چراغ تعلیم و تربیت را روشن نگه داشتند و در این بین، سهم بانوان بسیار مهم و تأثیرگذار بود.

● تأسیس نخستین مدارس دخترانه صحبت درباره تأسیس مدارس نوین برای دختران، شاید حالا بسیار ساده به‌نظر برسد و اصلاً برای بحث اختصاصی درباره آن، ضرورتی احساس نشود. اما در دهه ۱۲۹۰ خورشیدی، وضع اصلاً این‌طور نبود. نخست اینکه اوضاع پریشان اقتصادی مجال تحصیل را از دانش‌آموزان پسر هم گرفته بود، چه برسد به دانش‌آموزان دختر! دوم اینکه همان فضای فرهنگی و جوضدیتی که با تأسیس مدارس نوین پسرانه وجود داشت، به‌شکلی دوچندان برای مدارس دخترانه هم برقرار بود. به همین دلیل، ورود به چنین فضایی قطعاً جرئت و جسارت بسیار می‌خواست و البته به حمایت افراد مهم و ذی‌نفوذ محتاج بود. خانم فروغ آذرخشی، ملقب به «فروغ السلطنه»، نخستین بانویی بود که این جوسنگین را شکست و در سال ۱۲۹۲ خورشیدی، سنگ بنای نخستین مدرسه دخترانه را گذاشت، آن هم جایی در آن سوی «گنبد سبز» مشهد که در آن روزگار، بخشی از یک شهرستان کهن سال محسوب می‌شد. البته بانو آذرخشی در انجام این مهم تنها نبود. علاوه بر مرحوم حاج مرتضی میرزا قهرمان، از شاهزادگان روشن فکر قجر، تعدادی از علمای خوش فکر مشهدنیز با وی همراهی کردند و به این ترتیب، وی نخستین مدرسه دخترانه را تأسیس کرد، مدرسه‌ای که در سال ۱۲۹۶ خورشیدی تعداد کلاس‌هایش را به پنج کلاس افزایش داد و تا سال ۱۳۰۴ خورشیدی، با افزایش فضای آموزشی، ۶۹ دختر مشهدی در مدرسه اوبه تحصیل مشغول شدند و ۲۷ نفر آن‌ها از نعمت تحصیل رایگان برخوردار بودند. علاوه بر بانو آذرخشی، خانم دیگری هم در حوزه احداث مدارس دخترانه فعال بود که شاید کمتر نام او را شنیده باشیم، اما بدون تعارف، نقش وی در این زمینه کمتر از فروغ السلطنه نبوده است؛ بانو علمی، همسر سیدحسن علمی، درباره سیدحسن علمی در قسمت قبل توضیحات تفصیلی دادم. در سال ۱۲۹۵ خورشیدی، وزارت معارف وقت، مجوز تأسیس مدرسه دخترانه «عصمتیه»، را به بانو علمی صادر کرد و این مدرسه به‌اسه کلاس و سه آموزگار پا گرفت. تأسیس مدرسه عصمتیه، کاری سخت و دشوار بود، مشهد در بحبوحه قحطی بزرگ قرار داشت و موانع تأسیس مدارس دخترانه هنوز پاچرا بود، اما بانو علمی با حمایت همسرش که از رجال فرهنگی آن دوران و مدیر چند مدرسه بود، توانست بر مشکلات غلبه کند و به تدریج راه برای افتتاح مدارس نوین دخترانه در مشهد باز شد. در همان سال ۱۲۹۵ خورشیدی، «ملکه‌خانم» مجوز تأسیس مدرسه «دختران ارض اقدس» را گرفت، مدرسه‌ای که البته کوچک بود و دوام زیادی هم نیاورد. در سال ۱۲۹۸ خورشیدی، «مدرسه بانوان» نیز با نیت آموزش به دختران بزرگسال پا گرفت و توانست موفقیت‌های بیشتری به‌دست بیاورد که بخشی از آن‌ها مروهون تلاش‌های افرادی مانند فروغ السلطنه، بانو علمی و ملکه‌خانم بود. بعدها، مدرسه دخترانه «گوهریه» نیز با استفاده از ظرفیت به‌وجودآمده برای تأسیس مدارس دخترانه در مشهد، ایجاد شد. شاید بد نباشد اشاره کنیم که نخستین مدرسه متوسطه دخترانه مشهد را هم مرحوم فروغ السلطنه تأسیس کرد.

● مدرسی که به فکر فرهنگ بودند، نه پول! افزون بر مدرسی که از آن‌ها نام بردیم، مدرسه‌های دیگری هم در مشهد دهه ۱۲۹۰ خورشیدی پا گرفت. مدرسه «سادات رضوی»، یکی از این مدارس بود که در سال ۱۲۹۶ خورشیدی و با مدیریت میرزا علیرضاخان تأسیس شد. به‌سرعت توسعه پیدا کرد و حدود یک‌سوم دانش‌آموزان آن به‌صورت رایگان تحصیل می‌کردند. مدرسه متوسطه «دانش، یکی دیگر از مدارس مهم مشهد در این دوره است که باید آن را در زمره نخستین دبیرستان‌های مشهد به حساب بیاوریم؛

مدرسه‌ای با مدیریت مجد دانش‌بزرگ‌نیا که رویکردی ویژه هم برای تحصیل رایگان دانش‌آموزان بی‌بضاعت داشت. مدرسه‌خبریه «پُست، که با همت میرزا عابد... خان تأسیس شده بود، هرچند بزرگ نبود، تقریباً نیمی از دانش‌آموزان آن، رایگان تحصیل می‌کردند. در این بین، شاید مهم‌ترین و پرجمعیت‌ترین مدرسه شهر مشهد، مدرسه «احمدی» بود، مدرسه‌ای بسیار پرجمعیت که در سال ۱۲۹۶ خورشیدی تأسیس شد و در مدتی کوتاه ۲۰۴ دانش‌آموز در آن به تحصیل پرداختند و ۶۸ نفر آن‌ها از امتیاز تحصیل رایگان برخوردار شدند. از دیگر مدارس این دوره، باید به مدرسه «بلدیه» اشاره کنیم که ظاهراً شهرداری مشهد در سال ۱۲۹۹ خورشیدی آن را تأسیس کرد، مدرسه‌ای که به‌احتمال زیاد با بودجه عمومی اداره می‌شد و در همان سال تأسیسش ۱۱۴ دانش‌آموز داشت که به‌صورت رایگان تحصیل می‌کردند. در سال‌های بعد، مدرسی مانند «آذربایجان» (مؤسس: قربانعلی آذریان)، «دیانت» و «مدرسه ملی نوغان» هم شکل گرفتند که بیشتر از مدارس پیشین، از بودجه عمومی برخوردار بودند. آنچه بیشتر در مدارس متعدد این دوره به چشم می‌آید، رویکردهای خبریه و غیرانتفاعی واقعی در تأسیس مدارس است. همان‌طور که در قسمت‌های قبل هم اشاره کردیم، تأسیس مدارس در دهه ۱۲۹۰ خورشیدی به‌هیچ‌وجه جنبه انتفاعی نداشت و مؤسسان آن، بدون تعارف برای خودشان کیسه ندوخته بودند. برخی از این افراد مانند مرحوم فروغ السلطنه یا زنده‌یاد میرزا علیرضاخان، حتی بخشی از هزینه‌های مدرسه را از جیب خودشان می‌پرداختند و این رویکرد، فصلی زرین را در تاریخ آموزش و پرورش خراسان و شهر مشهد رقم زد.

منبع تصاویر و اسناد قدیمی: کتابخانه ملی ایران